



تفاوت های عمده روانی زن و مرد/ تفاوت هایی که زن و شوهرها باید بدانند

ایجاد يك تصور کلیشه ای از مردها و زن ها، به شکلی که تمام مردها و زن ها را در بر گیرد اقدامي اشتباه است...

ایجاد يك تصور کلیشه ای از مردها و زن ها، به شکلی که تمام مردها و زن ها را در بر گیرد اقدامي اشتباه است، هر مرد "حقیقی" دارای کیفیات ویژگی های مردانه و هم زنانه است و يك زن "حقیقی" هم دارای کیفیات ویژگی های زنانه و هم مردانه است. هر فردی برای داشتن روابط درست و منطقی در خانواده و اجتماع باید بداند زن و مرد تفاوت هایی دارند که باید در نوع برخوردها آنها را مدنظر قرار داد. توجه به این تفاوت ها به ویژه در روابط زوجین و پایداری کانون خانواده خیلی موثر است. ساده ترین راه حل توجه به تفاوت های زن و مرد بررسی جنبه های مختلف روانی دو جنس می باشد.

زن و مرد نه تنها به لحاظ بیولوژیک و آناتومی با هم متفاوت هستند، بلکه در زمینه های روانی نیز با هم اختلاف دارند. مثلا مشخص است که زن ها در مقایسه با مردها غریزی تر هستند و به عشق و روابط بیشتر اهمیت می دهند و در برخورد با استرس واکنش های متفاوتی را به نمایش می گذارند. آنها در ضمن در روابط زناشویی خود شکایات و مسائل متفاوتی دارند اینکه می خواهند این تفاوت ها را به مسائل فرهنگی نسبت دهند. در بررسی تفاوت های زنان و مردان، تصور و اشتباه است اگر بگوییم که هر مردی در توصیف مربوط به مردها و هر زنی در توصیف مربوط به زن ها می گنجد.

در زندگی حقیقی همه مردها مثل هم نیستند، همان طور که همه زن ها هم مانند یکدیگر نیستند. به همین دلیل ایجاد يك تصور کلیشه ای از مردها و زن ها، به شکلی که تمام مردها و زن ها را در بر گیرد اقدامي اشتباه است. هر مرد "حقیقی" دارای کیفیات ویژگی های مردانه و هم زنانه است. يك زن "حقیقی" هم دارای کیفیات ویژگی های زنانه و هم مردانه است.

بسیاری از زنان روزگار ما می خواهند مانند مردها رفتار کنند، آنها مترصد عشق و احترام بیشتر هستند و در جریان آن ارزشهای زنانه خود را منکر می شوند. جنبش به ظاهر طرفداری از زنان به اشتباه به زن ها توصیه می کند که رفتارهای مردانه داشته باشند، به همین دلیل زن ها تا حدود زیادی ارزش ها و کیفیات زنانه خود را منکر شده اند.

یکی از مشکلات عمده زن ها در روابطشان این است که نیازهای خود را فراموش می کنند و جذب نیازهای همسرشان می شوند. یکی از دشواری های زنان در روابط زناشویی این است که احساس خویشتن خود را حفظ کند و در ضمن به نیازها و خواسته های دیگران برسد. بزرگترین دشواری يك مرد این است که بر خودمحوری خویش غلبه کند. در حالی که زن ها میل به انبساط دارند مردها ترجیح می دهند که خودشان را عقب بکشند و حالت انقباض بگیرند.

توجه داشته باشیم که مردها میل به مرکز دارند به همین دلیل است که مردها اغلب در کار ارتباط با زن ها با دشواری روبه رو هستند. معمولا وقتی مردی می خواهد حرف بزند، موضوع صحبت خود را بارها و بارها در ذهنش مرور می کند و بعد حرف می زند، اما زن ها عکس این رفتار را دارند. آنها به راحتی موضوع مورد نظرشان را به زبان می آورند.

درست همان طور که مردها برای اندیشیدن به يك موضوع ترجیح می دهند موضوع صحبت خود را با دیگران در میان بگذارند و درباره آن بحث کنند وقتی زنی درباره موضوع مورد نظرش حرف می زند همیشه نمی داند که به کجا خواهد رسید، اما اعتماد می کند که به جایی که در نظر دارد برسد. بسیاری از مواقع، مردها به این دلیل که از این تفاوت ها آگاه نیستند از زن ها ناراحت می شوند آنها ناخواسته در این جریان طبیعی مربوط به جنس مونث دخالت می کنند یا به نظرشان می رسد که دارند وقت را هدر می دهند. اما مردانی که از این موضوع اطلاع دارند به گونه ای داورانه نشده به سخنان همسرشان گوش می دهند و در مقام حمایت از او بر می آیند.

رفتار انقباضی مردها زن ها را به شدت سر درگم می کند. برای زن درك این مطلب دشوار است که چگونه ممکن است شوهرش او را تا این حد دوست داشته باشد و بعد ناگهان اقدامي به شدت خودمحورانه انجام دهد. از آنجایی که با این تغییر آشنا نیست موضوع را شخصی به دل می گیرد. زن متوجه نیست که چگونه ممکن است مردها جز به خودشان به کس دیگری فکر نکنند. وقتی مرد می

خواهد زنش را خوشحال کند به او کاملاً می‌رسد اما وقتی فکر می‌کند که او خشنود شده به موضوع دیگری توجه می‌کند مثلاً به موضوعی در ارتباط با شغلش فکر می‌کند و بعد تمام فکر و ذکرش را متوجه آن می‌کند.

وقتی مردها زیر فشار قرار می‌گیرند بیشتر متمرکز می‌شوند و بیش از هر زمان از یاد دیگران بیرون می‌روند در نتیجه این رفتارشان در نظر دیگران خودمحورانه به چشم می‌آید. در بیشتر موارد آنها نه خود شیفته و نه خودخواه هستند، اما ممکن است که این گونه به نظر برسند. آنها جذب کارشان می‌شوند و به هیچ مطلب دیگری توجه نمی‌کنند در بسیاری از موارد موضوعی که نظر آنها را به خود جلب کرده کاملاً نودوستانه و یا در ارتباط با دیگران است. درک این مطلب برای زنها دشوار است زیرا وقتی زنها در شرایط استرس قرار می‌گیرند انبساط پیدا می‌کنند بیشتر به دیگران می‌رسند و به خصوص به عزیزانشان توجه دارند.

وقتی مردی با دشواری شغلی روبرو می‌شود به نظر می‌رسد که اصلاً فراموش کرده خانه و خانواده ای دارد. او تمام فکر و ذکرش را متوجه حل مسئله ای که پیش آمده می‌کند، اما این در حالی است که به خانواده اش توجه دارد و می‌خواهد مشکل را از میان بر دارد. زنی که سر کار خسته می‌شود و فکر می‌کند که به خانواده اش به قدر کافی نرسیده است ناراحتی اش دو چندان می‌شود و وقتی که زن تحت فشار قرار می‌گیرد انبساط پیدا می‌کند و حال آنکه شوهرش در خود فرو می‌رود و منقبض می‌شود.

در خود شدن خود به خود یکی از ویژگی‌های مردان است. در این شرایط مرد برای اینکه تمرکز بیشتری داشته باشد هشیاری اش را منقبض می‌کند. زنها به اشتباه فکر می‌کنند اگر مردی آنها را دوست ندارد باید منبسط شود حال آنکه این واکنش زنانه است. زن باید بداند که طرز واکنش مرد با تعادل ویژگی‌های مردانه و زنانه در او ارتباط دارد و این هرگز معیاری برای عشق و توجه او نیست. زنی که این را درک کند وقتی بی‌اعتنایی شوهرش را ببیند رنجیده خاطر نمی‌شود، بلکه از مهارت‌های خود استفاده می‌کند تا به هنگام نیاز توجه او را به خود جلب کند.